

نمونه مجلس و سدا
اداره مرکزی جبل المتین
کلکته لوچیت پور نمبر ۲۵
کارهای متعلقه اداره دبیر
جلال الدین لیسینی المتخلص
ادیت ۱۶ و شبه
شهر جادوی الا اول ۱۳۱۹
مطابق ۳۱ پهر ۱۳۹۸ شمسه ام
هر دو بنده طبع شدت تعیین شد

سال پنجم
سنه هزار و سیصد و یازده

جلال المتین

بستان فیند آله علی عیالنا اشهد
بلد هندوستان علی حده

قیمت سالانه دو اجرت
هندوستان بر سه و دو
ایران افغانستان سی و شش
اردو و چین بیست و پنج
مالک عمان پنج و بیست
مالک روسیه ده و سی
یک نمده هندوستان چهار
ایران یک و سی

حیات انبر کون علم و قایح سیاسی و منافع ملت و دولتی مشورته و مصلحت عام
درین کتب از کتب کون علم و قایح سیاسی و منافع ملت و دولتی مشورته و مصلحت عام
(فهرست مندجات)

سیاسی نگارشات خاربه اخبارات و خط اخبارات خاربه
قابل توجه جزال و نسل بنیاد قابل توجه کارگاه کاران علیج فارس
جان مرکی کماله شیخ ایرانی باشن مبنی مکتوبی کی از ک
دانشندان مکتوب از ابهام مکتوب از مبنی جبل المتین
اتحاد شیعه و شی مکتوب جبل المتین طرف داری قی
فند اند و روس فند و نکلیس بندر لنجه نگارشات خار
کلکته

(سیاسی)

اینهفته اخبارات نکلیس و عنوان راخیلی موضوع بحث نموده اند اوله
چین کی اینک و سال بیست و پنج موضوع بحث است و چنان ظاهر میدارند که قریب
بزرگی بر چین وارد خواهد بود چرا که دولت روس در مساعده بعضی اخبارات
گرفته و اینست که دولت روس اینهفته افزون قشون خود را در بندر آرتهمر
از نگارشات چنان ظاهر میشود که دولت نکلیس کا فادارک جنگ پوچین و در
در نهایت مگر می و باقی تا اکتان بیست و پنج اخبارات جنگی خود را با کاست
از دی های می بدون تعیین منزل مقصود حرکت داده است اقتصادات اندرون
چین یاد و باعث قوت اول هیته شده که شته بر اکتان بیست و پنج مکتوب که لوچی
باشد که دولت چین از تدارک آن عاجز و چنان آس است اندازی خارجه کرد
مسک و مگر که موضوع بحث اخبارات نکلیس است اما ند دولت علیه ایران و نصب
اشرف اشرف قایم زاعلی صفرخان صد حکمت اخبارات نکلیس مینویسند که در
ایمضه شانه شانه عالیته و از بروز و آثار سلطنت چنان نمایان بود که دو

ملته ایران تا قریب بر اب تیقات صبریده مثل دولت پان نایل خواهد شد ولی
بعد از خزل بر زاعلی صفرخان صد حکمت قسمی حق برگشت که خیالات عامه دول و نکرا
سیاست ایران مطلق داشت که با هر یک فقر خیالات ایته خود نموده و چنانچه باشم از
هر طرف فراه آمده بود بر زاعلی صفرخان سالها کلمه در تدارک ایران را میگذرانید
ایران کات سیاست و ان تک می و اکتان بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که
اخبارات نکلیس مینویسند که اگر ایلیت شانه شانه ایلیت نکلیس مینویسند که در
میتواند قطبایا از اکتان بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که در
در مکان در است و ایلیت نکلیس مینویسند که در
واری ظاهر میکنند که قایم زاعلی صفرخان صد حکمت مینویسند که در
دولت نکلیس مینویسند که در
ایران بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که در
انگلیس مینویسند که در
اشرف اشرف قایم زاعلی صفرخان صد حکمت مینویسند که در
اوله اخبارت نکلیس مینویسند که در
باری اخبارات نکلیس مینویسند که در
خود قی با اکتان بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که در
نصیری پنا است چنانکه ایلیت نکلیس مینویسند که در
بسی شخص متعلق به بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که در
باشد از اکتان بیست و پنج اخبارات نکلیس مینویسند که در
درین مکتوب مینویسند که در
برکت و جود این مکتوب است که در

(ملکرافات خارجه)

هشتم جمادی الاول روز اطلاع میدهند که دول ربه روس فرانسویان
انگلیس متفقند که تا یک هفته من باب معاهده کریت آسیرین خط بیابالی بینه
که دولت عثمانی شکر سرد این خود را از کریت طلب نماید و دول
اشغال کریت را بعهده دارند

ایضا روز یکم جمادی اول ربه متوجه شد که اگر دولت علیه عثمانی
کنت دولت مشارالیه را مجبور کنند و اگر لازم شود چهارات جنگی خود را
بغداد و ریز بفرستند درو تر ازین عسکرها با فوجی از این
باین شده و تا اقبال تعدیق نیست خصوصاً با مخالفت بین دولتین
جنسندل سر بر برت کچر معالوفت او را کلاً بطریق عمده فیصله نموده است
جبهه و اسرار موصوف با زبان مساوت نموده و درفش او چند
فوج نگارده است بین راه که مردار فشا او میرفت چهارتی از
سویها سرسوم اصناف در راه آمده فخر نموده است

مساوات همین همان قسم بوده است دولت انگلیس با مال سرگرمی متوجه
نگاهاری قوت خود پیش

جهاز جنگی دولت انگلیس موسوم به (نورین) با حکام برهبر از بندر
وی نامی می حرکت کرده منزل مقصود آن معلوم نیست بعضی
که جهاز موصوف روانه (تاکو) شده و شش فروند جهازات جنگی
هم در پی فوجی آن خواهند گردید

حکومت جمادی الاول از لندن شنبه پیش ترک سلطنت گفته شد
بزرگبرگرمی و وطن شده شد و در جهاز جنگی انگلیس نایه برده حکام
خوشگرا قاری او شده شد و در جهاز جنگی انگلیس ادا اجتماع از خواله دان
مختلفه و در این قسم شده است سردار کچر کچر و در وقت شده سردار
فدیه اظهار داشته است که فدا در انصافات معروضت حمایت
دولت انگلیس است و فدی علم معروضت انگلیس را بلند کرده سردار فرزند اظهار
چون است که حکم از بدین بند نیست تا فدا در انصافت کند ولی سردار
فدیه مانع از حرکت فوجن مصری نشده است

بوجه جنگی از روز جنگ گذارفت (شده هزار سوار) فوجی
و هم جمادی الاول سردار کچر فاتح خط مظلوم را رفت
من باقیه فدا و با پاریس جنگی مصالحت پیش است
ساده است (مقام بکر ابراهیم خواهند داشت و در تصرف خواهند شد)

اگر بودی شیدا و شاه پوسین که فرار نموده در پناه دولت انگلیس آمده است
بطرف هنگام می آید
دولت روس اقرار نموده که فرانسویان و نمانان را بحالت خود
یا در هم جمادی اول دولت مکتومت بنیال با ضد لبر بهمت دست گیری
از گاکو فغان خورده جبهه زده دو دست ازین در دست نموده

لازم و کینه دن و در جنگ دولت انگلیس قرار بر این است که از اول
شده هر کس از مذات شکر می استخاک کرده و خدمت آن حبر آمده باشد
نام اجبه و قشون روین ثبت شود و تسبیح و طایفه خواهد بود
ده از جمادی اول وقایع گار و لشکر اف از مصر میسر گردید
پاشا چون وارد فشا و گردید ایمار پسندانده و در فدا
شده بود آنها را آذوقه داده ایمار پسندانده با کمال سرست قبول کرد
سردار نمیدانند ازین صیقل همیشه مجبور بوده که فدا در انصافت
سردار از انصافت میسر شده از جانب دولت متبروفه شود و باره
فدا در دست نه است

کمان چنان است که اولین فدا در انصافت بودان سردار کچر
رویته این ممکن اطلاع میدهند که فدا در انصافت الی هنگ
وزارت اعظم همین برقرار شود ولی سوی ملک چین احدی از
رضایت ندارد

شش نفر بزرگان چین که کفالت ترقی دولت چین را نموده بود
سیره هم جمادی اول نخست سرداران سپاه با یکدیگر
سودان بوده اظهار جوهر خود را نموده اند و کچر اعلان داده
سفاش و قهارات داده است

کامک زودی که یکی از فرقه مستعین ترقیات چین بوده خود را
بجهت ابرار رسایه شهادتیه بهنگام است که در جهاز جنگی
انگلیس مجددا در تعاقب بوده است

سفاش و قهارات رسایه شهادتیه بهنگام است که در جهاز جنگی
بخت بیرون یال خواهد بود و درین راه انکرن دولت تا زودی
مصارف را منظور کرده بود

چهاردهم دولت ایتالیا نام دول را دعوت کرده بود که
کواچت هزاران فدا در انصافت تمام دول را بحالت
قبول کرده اند در تارک دفع انصافت

(اخبارات و حله)

ارباب کاکر کس بند اراده دارند که کسی مردان را بی تسلیم بفرستد و از
 لندن بفرستند تا حکم میثاق ملت انگلستان را بخواند و منتهی شود که
 کاکر سر میدهد شود
 کویا حاکمیت بی فصله معاملات مردمی کلا شود چرا که اوضاع زیاد میرا
 حکم کوچ نمودن از مال کند داده اند
 دلی ای که به نام گنبده گونامی چند که خود را در لباس اهل علم میپوشد
 بود و خود نموده است که از او کوشش است مولوی موصوف بخند
 یکی از حرارت بیه وقته اظهار داشته است که در نزد من موی سر و پیش
 حضرت غیب الرحمن موجود است من بنوایبها و لپور پیش نموده
 اورا چهل هزار روپیه بخار شده فواب صاحب بیت هزار روپیه داد
 که رقم چون این وقت معلوم بدو هزار روپیه میفرستد و اگر بخواهی تو خواب
 صاحب پیش کن منصرفا دو هزار روپیه را از آن منصفه چاره گرفته فریاد کند
 حکم کم این خبر پولیس برسد و مولوی را گرفتار نمایند
 جناب قتل و قادی یک افندی چندال تو نسل تنگی مقیم می بخت
 شاه رواد اسلامبول شده از منبری الیه نهایت در قابل لایق بیاد
 منصفه سیاسی میباشد بطن وقته مبارک باد سلامت روی
 بازائی
 حکومت در اس آنکه خبر ل پولیس را کشته طاعون مقرر نموده هرگز
 اخبارات در باره اتهامات طاعونی بمشاریه حمایت برده است
 دکتر جاماسبی پمخری که از مسلمین بزرگ روحانی ملت فارسیست
 بر ۶ سالگی این جهان فانی را و داع گفت اخضای نامی ملت فارسیست
 چون بسیاری از تحقیق زور در جنگ مردمی از قلم او فاده نمیدانند
 خدات آنها با اده است و بعضی اغراضت برادران حضرت نمک
 بواسطه بار بار بیخون لاکند بر او با فصد شتر بگرایه گرفته بودند یک
 سوزنده که بجای آن شتران قاطر کند از چون قاطر زیاد از
 وقت جنگ اکنون مال کور منقنی در پشاور موجود است
 حساب شده است که سال گذشته عیاشه طینون (اونس) طلا و چهل طینون
 (اونس) فخره از خارجه وارد شده است (اونس) بوزن شش
 مقال برنج است
 سال گذشته در عدالات چند هزار روپیه یک مقدمه من باب کواش

جلی و ازشه هزار دو بیست و نود و پنج فقره منم گرفتار و بشتند و نود
 دو فقره درین مجسمه تر یافته اند
 بیست و یکم اکتوبره و لیس جنس قریب این همه در شکله منته خراب شده
 قانون زارع مالک متوسط را بخت نموده و بخت خواهند گذارد
 حکومت در اس تمام محکمات حکم بقتل مصارف اده او در غیبت
 که حکم طاعون و قتل این حکم مستثنی باشد
 چند یوم قبل در بنگلور یکی از خیاطان بعض طاعون فوت میشود بر حسب
 قانون تحلیله طاعون نامورین حفظه خود است که مستحقین اورا در غلظت
 که از مردم از دعایم کرده نام اسباب نامورین حفظه خود را آتش زنده آخر
 پولیس سلاح ده مردم را منتشر نمود
 در صورت بهار طوفان قیامت کرده نصانی ال خیالی کسبیه از قتل و زنده
 بیش بوده است اینک به طیفانی درین صوبه دو مرتبه دیگر هم شده است
 یک مرتبه ۱۸۴۲ ع و دیگر در ۱۸۵۰ ایست بصیبت زانمان فاقرب و ب
 اعاده جمیع خواهد شد
 در منصفه بر مردم بیدار گشتی نشینند و بدالت میفره بروند
 در شب کانتی بی آهین شکسته کالک نامی کناری همه چون غریب آمده اند
 از جنون نامیرن شاه بجهت رفتن راه شومس اراضی حاصل شده است
 مقامت سب راه شومس خواهند ساخت
 من باب خطاب بیزرائی درین ستر کردن (فران فرای جدید میهند
 محکم صفائی یعنی همیشه از روپیه مصارف را منظر نموده است همیشه
 در روز و فصد فخران بینه محکم موصوف هزار روپیه صرف میزند و
 کثرت ضروریات با فصد روپیه کم کرده
 محکم صفائی کابویر با حکومت تحلیله فخره دار و ک راه اصلی میداند
 بر مصارف نهاد برده انگلست
 صیبه نیز الملک مرحوم کبینه مرحوم سید لارینگ زیر علم حیدر آبا
 بهر شانزده سالگی این جهان فانی را و داع گفت
 از جانب حکومت تحلیله (۱۸۷۷ تا ۱۸۸۰) روپیه محکم صفائی امیرتپها
 داده که در بعضی مقامات شهر مثل جهادانی و غیره نیز اسب بخت خوراک برده
 سه دار دیال سنگه شمس علم هر صیبت کرده که چهار صد هزار روپیه از سر
 آن وقت ساکنین میسر شود و بلا مجور که قوم سکند که بجهت استخیم لایق
 بهادری دهند این ایام در سران بصیبت نامده خواهند ساخت

من با بکارت آبادی که سفر خط الحاق کرده اند در شمل علم شده است
که در بازار مکان جدید تعمیر شود

از امتدادهای برسد و ظاهره پیرا سال بهشت لیون و بهشت چاه
بزار و سال گذشته بهشت لیون به هزار و پانصد و بیست و هفت
هجده هم شهر و در محل را به کج کشید مسری و واقع شده بهشت مکان
فاکتور شده اند

سفر کردن مسلمان برای هند چنانچه امید و لقب اوقات
آنچه تاکنون من باب مقامات و دره تغییر واقع شده آن است که شرف
تحت حکومت چاب خواهد بود
در دره جبر آن مقام که آن نشین آفرین را مشاهده کرد که در تحت یک
انسیه کلبه خواهد که در او این فرجی با جسد و خواهد بود

طائفه از کاخیل سنی از جمله آن خود داده و با این طوائف دیگر که در
حکومت سمنول که خط الحاقه می باشد منظور نگردد و منتهی به صرفان
کم از صدی هفت و نیم بود قبول نمیکنند و میگویند که از صرفان قرض
بوجب رای زیر بنده حکومت هندون مکنم که نموده است و لطیف
دینشن اینجسبهار و پستان لانه زیاد نخواهد بود از روی عایت و
جفات مخصوصه کفایت یک هزار هم نشان شود

در صورتیکه از اطمینان حلی شده یعنی هنداشکته بر شده آباد بر پور
و ساتی بر خوف است بیست و نه فوت و نیم که قریب به نزع باشد
آب شکر کنگ بلند شده آب کمال سعادت و تمیز بنده ماسی شود و در میان
سطح کرده اند که اگر نموده اند نشانه از تصانی آینه نیا

بواسطه بارانهای بی دریگی شدید که در واد جلگ باریده که شکسته
راه آهن باشد و نموده است ازین کال که راه آهن توانسته بد جلگ
برود و معاودت نموده یکصد و سی و یک پنج ارباب است

و مقام خوشدلان که از مصافق پیشین و سرمد است و نفر از لانا
حکومتی که بر آب بود و قبیل رسانیده اند

لمستان بواسطه اختلاف بنده و مسلمان قرار برین شده که هر یک
خط الحاق بهشت نفر بند و راه هند و راه بهشت نفر مسلمان را مسلمانها
تعیین نمایند

(اخبارات خارجه)

در جنگ اندران رسالت و قورمانه زیاد از سوی آن تصرف توین مصلحت

درین جنگ قوتن محمدی سودانی چنانچه از خبر بوده که در جنگ
رویه بسته بودند علم بود آنها نسبت نشانک سیاه رنگ بود که بر او بر
محمدی سودانی هم نهند قوتن بودند سودانی در جنگ فی با و سکا
الده رسول الله محمدی

در جنگ اندران شش میل میدان صاف بود محمدی سودانی قوتن خود را
تزیین و توجیه میسار میداد

انچه از اخبار است اروپا ظاهر میشود در مساعده و بعضی کار شده سادش
با دولت آلمان برده ولی دولت آلمان اس قنات را با هر شکنجه و زور
دخول و مغزی موقوف میشد

ایم کوپسکی سفیر دولت روس در اسلامبول امور تجارت چین شد
ایم بیله لاف بیخبرین با تور به اکتوبرا گشته ایم بیله لاف مذا
در جریان گفتار با دولت انگلیس در مقامات چین میگردد

حساب نموده اند که سال گذشته مالی در یکاد و خیزات و میرات های عمده
کمیته اینجسبهار ریال در خیزات صرف شده سی پنج میلیون ریال بود
دریال دور و پیر و نیم انگلیس است

قوم موج روز تحت نشینی هشتاد و یک ملک را با کمال شمت گرفته اند
وزارت شده اند زیاد و خدایان است که مقدمه در ای قس استیاف شود
رئیس صبهوری تا عمل دارد

لا روسه اطهار است که قوت یکصدی دولت انگلیس مقابل
سیان خود در رسال احکام و قیمت لمان در چین جهازات جنگی با
باید همان روش اختیار نماید که در افریقا دار زانو و تیکه مقین بکار میایی
شود مقصد لار و موصوف است که اول بکار با هم با خود باید متفق گردند
چین را قیمت نمودن سوزان فیه تقسیم شده است

در کله سیلان مرحدوران مشغول کندن قلع بود بسیار از آنها
بر آمدند و ملنون است که این نقشها زان فیه پیکس در کله
دفن شده اند

در شکلهای چین با سزای نهند آنه اس رسیده و مقصود از این
تصانی رسانیده است

نوشته داده اند تا مسورین کبریت که بعد از تسلیم سلمه اسلامیان میوهان
هم ترک آله خواهند که عالی شد اعظم بهشت که دولت عالی قوتن خود را
از کبریت طلب نماید و سیخالی این امر این آنها را شوا است

قابل توجه جرایم و دولت

ایران در بغداد

زنان بی صاحب از گرا و غیره که در میمی ایرانی شهر میروند از راه بصره
میآیند چون لباس عربی دارند شناختن آنها برای آدمهای بلیو بصره که
دشوار است فاعصه که کرد و پاشنه زبان فارسی بلدند در صورتیکه جنرال تونل
دولت علیه ایران مقيم بغداد و ابوالفضل درین باب قراری که کرده اند
نوعان مؤمنین - بلاد خارج رفته و باروی کتاش و ده بیست نهاده باید بی

لغت نامی شوند چنانچه خوب است

قابل توجه کارکنان خلیج فارس

از آنجا که دریا آرام شده و وقت آمدن اسب فرشتان از بصره و بغداد فارس
بطرف میمی است مردم بکار و بی اطلاع از همه جا با هم میروی خود را
بیمیمی رساننده آنست که تلفت میزند فاعصه مالا که در میمی طاعون برای بی
مانند است امید که کارکنان این بلاد در زمان این درد را بفرمایند بیست
بنا در فارس حاکم مستقل ندارد و امورین تذکره هم فخر و خیال مدخل اند
(جوان ممل و ناکامی قیامت میسند پرا)
چهل سید سعید شهید آقا شمس شاه در حسن آباد که مقبره و بارگاه جدیدی
موجود آقا خان اعلی الله تعالی بیست بطور شایسته گرفته شده و در آن مجلس

چشم بار و غباری اختیار بکند بود

مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی و زبانه

هندی سلام میکنم (تقوان چهارم) ایرانی علیکم السلام

هندی - قدری بر حسب عده و در شب بهت بعضی شافل که برای تیر

پیدا شده بود مجبوراندم خوابید بخشید

ایرانی - انشاء الله غیر است نقلی نیست

هندی - جناب عالی منموده بود که کف کات بدست حکام شرع

وعف هر دو بیجا

ایرانی - بی عرض کرده بودم چنین است

هندی - بفرمایند که سعادت فوجیاری راجع کدام یک از این دو حکم است

ایرانی - تخمیم عرض از فوجیاری نیست سنی حکامات راجع بجا که از آن

هندی - جناب عرض از فوجیاری که عرض شدی آنجا متعلقه بجهت بیایم

وقتی قتل و عارت راه زنی زدی شب بخاری قاری زدی زود کوب

فخر دان بی غت کردن دیگر کار با و قاری نامی شایسته که بهت

خساری ملکات صد بر رعایا

ایرانی - ای هندیم بعضی راجع بجهت شرع و قدری راجع بجهت دولت

هندی - مثلاً با شراب خوار چه کردی ز قاری و بخارا راه میروند

ایرانی - اگر قاری بجهت شرع شده و در مطابق شرع اسلام حدینزند و اگر

گرفت بجهت عرف شد نوع دیگر با او سلوک میشود

هندی - در یک امر که حکم او در قرآن مخصوص است چه نوع رفتار میشود

ایرانی - بی

هندی - بفرمایند که حکام عدول او چه میکنند

ایرانی - بگفتند از اینکه کسی شراب خرد کرد و او را از زمان بیس گرفتار نموده

اول میسوزند و از نزد دار و ده شهید اگر بیس و از روی دار و در رفتار کرده او را

را خواهند کرد

هندی - اگر بیس و خوشش دارد و رفتار نکرد با او چه سلوک خواهند کرد

ایرانی - بعد از زد و کوب ریاده او را میسوزند نزد فراتر باشی

هندی - فسادش باشی او چه میکند

ایرانی - نجسام اگر بیس رفتار کرد و غلام شود

هندی - اگر بیس فسادش کرد چه میشود

ایرانی - مطلب را بعرض حکومت میرسان

هندی - حاکم باشی با غار چه میکند

ایرانی - اگر شراب در لباس اهل علم است او را خدمت طلبا میسوزند و اگر

لباس اهل سیف است نزد مرتیب افواج میسوزند و اگر در لباس اهل کسبت

جسدهای قابل ازاو گرفته را میسوزند

هندی - اگر قوت و استطاعت او ای جیه بد باشد او چه میکنند

ایرانی بختیار و بیل ماکمست حاکم بر جمیع جوارح و اعضای و مالک است

بر خصوی از اعضای او را که صلاح و قابل هر چه و اند میکنند

هندی - اگر کسی در خانه خود و کتب این امر شود او چه میکنند

ایرانی - اگر مطلع نشدند با او حرفی و گفتگویی نیست اگر مطلع شدند و یکی

از همسایه های او اطلاع بکام شرع یا عوف داد در صد و ده اینند آمد

هندی - چگونه اطلاع میآیند و صدق طلب بر آنها چه حکم معلوم میشود که

کوینده و محض بیادق است

ایرانی - در این مقام خبر و ادب است

هندی - از روی شرح تجسس که امور مسلمانان حسد است

ایرانی - بتی میل حکام است که صلاح پسند مجسّم شده حکام شرع را هم از
 کشتا پند میزند
 هندی - اگر دغانه بتی باشد از کدام راه و عمل شوند
 ایرانی - ندبان بر دیوار خانه نصب کرده داخل شوند
 هندی - همانند مطابق شرع و عرف بدون اذن و جواز از خانه
 و مسکول و خانه کسی داخل شدن حرام است و تکلّف آنست که اهل
 ایران چه آستانه پانجه حکام شریعت اند
 ایرانی جابل را بر عالم رعایا را بر حکم بحبت ایرادی نیست هر چه صلح
 وقت حال نشسته رفتار میزند
 هندی - بنده میاید که بعد از درو بخانه با شارب چیکونه سلوک میاید
 ایرانی - اگر طلب داخل شده اند او را آنچه سباب جور آت بهست آینه
 خواهند شکست و شارب خوار از خانه بیرون آورده با سر و پای برهنه
 در میان کوه و باران آورده بقدری که کفایت کار او کند در جن راه نیست
 با خواهند کرد و تخم حرد او را بیک شمع آورده و حکام شرع بر جوب قیمت
 مد بر او جاری خواهد نمود و بعد او را میکنند
 هندی - اگر بدست حکام حرف رفتار شد پس از رود و لازم حکومت
 بماند او چیکونه سلوک میکنند
 ایرانی - بعد از داخل شدن نوکرهای حکومت ابتدا اینها را شارب او را
 در حبس بفل گذارد و برای مصرف خود او آنچه سباب قبی از قسم ساعت فرود
 یابند برده است اگر نوعی رفتار کرد که لازم حکومت دارد و در شهر از او
 باشند یعنی که حقوق خود را گرفته در رعایت حق فرانش باشی را هم نموده او را
 خواهند کرد که کمال خود باشد و بکار خوش باش سرورش میدارند و اگر غیر این
 نوع باشد از قضا که سابق عرض کردم او رفتار کرده باید از یک عضو خوش
 گوش چشم مین یادست چشم پوش دور کند
 هندی - اگر لازم حکومت بکوب شارب فرستند با آنها چیکونه رفتار
 ایرانی - اگر دغانه خود باشند گوشش تجسس نمیشود و اگر در کوه باران
 باشد و کسی آثار دانت و رفتن نشانی هم متعوض مال او نمی شود و اگر کسی
 زحمت دانت چند و حکومت اطلاع برسد البته تینه و تاوید بفرستند
 هندی - بچرا اندازد او را تینه و تاوید میکنند
 ایرانی - حکام بفرانش باشی میکنند که او را تینه کند و فرانش باشی بفران
 حکم میدهد و فرانس قری جوب فلک نود و مردم هم قدری فریاد و تکلّف

میکنند که حکام صدای باران را بشنود بعد از باران میکنند
 است مشکل نشانه سنی جوب فلک بر تینه تفسیرم فرانس تریا بند
 فلک آستان پرکتای دارد
 ایرانی - آقای من فلک جوب قیمت کلفت بلند که در وسط او در میان کلبه
 پنجسری بلور طلق تعبیه نموده و هر وقت کسی تعبیر و مسکالی کند که سرتوب
 تیز و محبت با پای او در میان آن طلق کرده و طرف جوب فلک او تیز
 فرانس گرفته بلند میکنند و فرانسهای دیگر که جوب برکت پای تعبیر
 در اینجا چون معتقدند که حکومت دیوان است فرانس تا که هم قطار
 میباشند و در رعایت حال او کرده جوب پای او فرانسند فلک نیزند
 و معتقد برای آیه حکام فریاد میکنند که حکام بد آینه هستند
 هندی - بنده میاید که در طریقه مذمب مجبزی مد و تفسیر از برای خنده
 ایرانی - خیره نشینده ام که مدی معتقد باشی قهقهه کرد و صیحا و کرده است
 هندی - شاید شما مطلع باشید از حکم آیند
 ایرانی - خیره بجزئی مظلوم هیچ تعبیر و مدی ندارد
 هندی - البته مدی برای آن همین است و شما اطلاع ندیدید شاید برای خنده
 هندی بجان مدی است
 ایرانی - خیره بیح مدی ندارد
 هندی - خیره در دو سده قبل در چهار ات انگیزی دارد و دیدم که
 خندیدن چند نفر شب از این یکی از امانی فک گمان حصر نیست و گمان
 فرانس جوب زیادی زده اند
 ایرانی این مطلب حقیقت ندارد و گویند در دفع گفته است
 هندی - آقا صاحب من میگویم در چهار دیدم شما میگو سید فاعل کا دست
 ایرانی - در چهار دفع نوشته شده و فرانس بجان را حد ابران انقدر طمست
 نیست که از برای ایشان مسلمان تینه شوند
 هندی - چون شما نیست از ایران بیرون آمده این خبر را بید این مطلب
 در حقیقت بر وقوع آمده
 ایرانی - شاید بزرگان مجسّم نوبی مسکول فرموده اگر ام کسبیه همان را اگر
 بوده با رفتار نموده برای اگر ام همان این کار کرده باشد تینه و دست
 هندی - جابل عالی دست پانی کرده حدیث نبوی است و اصل جوب
 فصل قمع کردن بنده در همان کتاب هم نوشته شده است که از برای کفایت
 مسین معتقد است که اگر از آن معتقدان که تکلّف آنها واجب میسر کرده و در

اینگونه کارها موجب جبارت در میان فرانسویان و هر روز قدری بر سلطنت خود
 که در آنجا بجای برسد که تحمل و صبر از عاید سلطنت خود برسد و در
 مسدود کردن فرنگیان بر ایند آنوقت کار بگام دشوار خواهد شد و او زده که در میان
 جبهه طلب ملک ایران را بر او خود و حکام را بفرمان خود آورده و اینها
 گریه با برقصانده که کار را بر حکومت شکل کشیده و آخر نوعی رعایا بر خلاف آنها
 شکست کشیده که کما کثرت زمان بقان برود و قیام روز قیامت در روس برسد
 و در فرنگیان برای کردار خود برسد خوب است حکام ایران از حال اینها
 کار نمایند و گذارند که زیاد ازین انالی فرنگ از نه خود بخا و زکنند و جای
 ایران را بعد از آنهاست از این که کم کم فرسودن بخش رعایا باعث قوت آنها شده
 ملک بر باد خواهد رفت و دیوان برسد را در ایران باز نماید که خود را بفریاد
 کلی برسد که حکم و محکوم مد و تکلیف خود را ندانند و بجز او در مجال نیست
 و وقت گذشت نشاء الله فردا بعد از این وقت تمام است (مدا ملاحظه)
(مکتوب یکی از دانشمندان)

در نمره ۳۳ نام مبارک جناب المصطفی مورخ تاریخ پنجم ربیع الاول تجدید
 توضیحی از روزنامه احتیاج که فی الواقع نمایان صد چندان بوده و پیش
 مجازش یافته بود و یکی صواب صحیح است ولی یک نکته از نظر مبارک نشی
 احتیاج بود و محسوسه است و امید است که سر بهر احتیاجات بمانند
 زیرا که در ملک است موجود احتیاج اندیشه که با وجود مردم زیاد
 اثری نماند و محسوسه نام احتیاج هم باقی نمی ماند (امینت) جای سلامت
 و سعادت یک کم نیست خواهی امینت است و ولتی اگر انالی خود را تا این
 از انالی خود این نتواند پس سلامت و سعادت از دولت ملت ناسخ
 از قانون طبیعت بعید است احتمال است البته سالها به با هم پیوسته
 روز بروز ساعت بساعت دقیقه دقیقه بلکه ثانیه ثانیه بلکه ملک و ایران
 و قریح و محسوسه است

امینت میشود و مگر بعد از عدالت را اسبابی در کار است باید است
 شناخت به دست آورد و امینت را حاصل نمود پس از حصول امینت
 تمام عمران و سلامت سعادت ملک به دست خواهد آمد بلکه با عدم
 امینت هر قدر سعی و کوشش شود نتواند پیوسته است
 امینت موجود نمیشود مگر به ستیاری امورین با دین و در شکار
 نامورین در شکار به دست نمی آید مگر در سایه یک قانون صحیح شرعی
 که وظایف اموریت مسدود و مسدود و از برای کار نامردان با علم

و دانش شرف و میل تبارک شود و بهر کاری که تخمین میشود چنانچه
 خود را در مسدودی که دولت مقرر فرموده بود برپسندیده و نامنودند با
 ترغیب رتب کافات از زینده هر گونه خواهر سالم و آزاد و در کس مطلب بد
 خاطر خواهی و پذیرفتن و البته الحاکم بدین استیجابات دیده و در کسختن از
 حکم قانون مجال شاید یک را بنکو و در باره دهند اما موباید از حال
 و استقبال خود در صورت دستکاری از جهت این باشد و در مقابل این حساب
 از خلاف آن هم چنان می باشد که هیچ وسیله جز در تکاری او را میداند
 نتواند نمود زیرا در غیر این صورت جمیع امورین این الوقت برخی مبنی بر عدم
 تربیه و اصلاح از برای مندر آردن اسباب است استقبال خود استیجابات دیگر
 هم می پردازد از جمیع امورین از وضع شریف همین روش را در اینجا

خواهد صدر اعظم خواه سایر وزرا خواه والی و حاکم خرد از کوچک تا بزرگ چه
 تویه امور یک سیاست جهانیه بر بجهت شده و در تحت دلول امور و ملت نکل
 ادرنده در روس همه احتیاجات آنان امینت است تا چار و معینه آنها باشند و این هم
 از مسلیات است روح تمام اموریت سلامت فکر امور است
 پس در عدم سلامت فکر نامور از برای هیئت جهانیه که مصالح آنان سپرد
 امدادی شود و این بوده باشد سلامت سعادت حال است استفاده نماید
 که کار نه شغفند موقوف و تمام اموریت است اذیت کمکت یک یا چند چینه
 مسدود و محسوسه نیست بلکه با شال بر کس و هر کجاست

با مورا (تجارت) (اصناف) (بزرگ) (چوپان) (شهری) (مرد)
 در کسالتی که هر چه و هر کس باید از حقوق خود این باشد اگر این باشد در شال
 با طینان قلب قیام حاصل نماید از استفاده کینه ثمرات سعی و کوشش خود
 سائق عزیزت و همت انسان همین ماده طینان است اگر کو مظهر طینان شد
 شروت و ساداش حاصل سعی و عمل و عیش با شروت و مسلمان او نسبت پیدا
 نموده و استفاده نمودن طبیعتی است بلکه چنانچه ذکرش بقیت نمود نامور
 از سلامت قلب محروم باشد عدم قش را در امور بهر مردد حال او نیست
 مشروع در حالتیکه این وضع شامل تمامی شعبات مملکت بوده باشد در شال
 امینت حصول و دوام نظام اوقیس خیالات است او وضع و برین احتکار است

این حال باعث تزیین خاطر جماعیه و اسباب شریع محسوسه است
 که لاک تجار مملکت یک شایه و دنیا نامانند که حال و استقبال آنان را
 سوق نماید و عدم راه از مبنی عزیزت خود را اساینده به در حال تزلزل
 و نامی باشند از برای این مملکتی کوشیده و بلکه بلوازم اسبابی که بهت ملاحظه

و خوشان در کار است تشبیه نماید
که عبارت از چهار جوت و گریستن تحت حمایت است

عموم بقیه حسن مالت دادند مشاغل و معالی میگردیدین فکر بشمار ستاده
درستی اگر کشت خود می تواند که در وزیر انگلستان در بین جمع آوری و نقل
فانسی از چنگ می برد بر بسبب عدم ایت که مرکز خاطر اوست مشا
اگر تیره شده در زمین کاشتنی از دست بریح لایزج گذارده یک مرغ از
وی پاری میگرد که بقدر کفایت نفس سبزی زنی نموده با وحش زیاد
نموده و بخود زحمت مینده

الذین دوست خرد عوی که ترش بنمایند و یکنوز اشما همینکه در کسب
و ایالی شدن یا مجست نموده از داره آتجا دومی کنار بومیند و با هم
غیبت بکشش لگوز عدم را بقدر فاقده چهار و این هر سبب شود که
بمخلاف کارهای بزرگ مانند خوردن مال مردم دزدی از تخم مرغ گرفته
تا اطلاع طریق دیگر بفرستند نفس ترا نشد جسته است بنمایند و تاریخ از این
که بیجاک باک آدن بسیاری از ملل از آن بوده که زرقه رفتد چگونه
در میان بیست چهارم تریزه و مجامعت دولت است اینگونه فلاکتها بوده

(باقی دارد)
کتاب انانطوم

چندین است اسوریت و ایس قوسلی بند باطوم که از تقاطع هم و محل جود
و تجار قزم و عمان دولت علیه ایران است بمقرب الحاقان میرزا کیان قول
و مرجع شده قوسلی بدو شخصاً آدم خوش نفس بی طبع تربیت شده کابل طست
و از البته غار جردت بان روسی را که در ریه و ششها در باطوم از شرایط اذل
بمهوریت است بلور کابل است زبان فرانسه را هم بخوبی حرف میند
پرو صنعت که از جانب هیچ مل در باطوم با سوریسیست هر قدر با سوری
دولت علیه ایران بشان و احترام شهاب یکنای دولت و تجارت
میباشد مرقی بود که عدم جود بکفایت باطوم که بدین
مخرد و در امور است تقاضی بکار تبعه یابید و صاحب بان بشود لحن آقا
پیرا که فرمان آند و در هر چه که پیرای و مسامت در باره تبعه بلور
و یکجا ام در جوات هیچ کسی به سپرد فرود گذار نکرده است بیست و یک
مذاهب پولیس و یا اردو و آتجا نهایی در کای قیاق لسی فاقده خوش نشسته
مقدور و در جوع کار نموده و اسباب آموده گی تبدل از جویم آورد و تبعه
ایران بدین اتم از معنی الیه رضی شیشه و مردم محلیه و اسورین دیگر هم

ایشان کمال گری و داده داشته هر کمالی و رضای خاطر می برده
(کتاب از کلمبلی)

چون جز بهمت از قریض حکومت دار العباده یزد بجای ستلاب بل اکرم
آقای سلطان علی خان وزیر قیام که از جو و زرای عظام و اشراف کفالت جلال
دولت جاوید ارتام و ترمیت شده کان عصرهایون حضرت ظللنت
علنی و از احقاد ایجاد و قشطن حسین ایشان عبدالرضا خان یزدی
که از غایت شتهار از توصیف مستحق اند بر می رسد

انالی دار العباده که زیاد از چهار رتبه از سلیس فارسی درین بند لنگر
اقامت از اخته یکی ازین شبارت نهایت شاکر و شاد خاطر و عجل خالی است
تشنه زاجت شده اند ملکه از طایفه زردوشی فندی بیچاره نفرزنده
با آنکه هنگام باران بنده و همگانه دریا و گی ای آن بنادر و همه جانها بر
مخابر بود از فیه و شوق و ذوق مانند مستان بوی بوستان شافند
از قسار مسوع جناب بلالتمای آقای عدل الدوله از دربار در جاب معنی
سبب آیب لکوکا بسلاستی و در یزد شده و از روز و موصول مقام
ولایت ایستام ام و تمام شده و ده اند و خاطر علی که از تقاول اشرار
بسیار آفنده بود زیاد و اسوده و فیه مورد ذممت جاسوس هم ترن
نمود بادی این خبر هم تا یه مندی مستنی کمال میدواری چهار برین گردیده

و بیاری آما ده معاودت میند شده اند
(جبل المیتین)

اولا قدمت جناب بلالتمای آقای عدل الدوله از تشریف فرمای بوطن
مآلف و منند مورد شادای تبریک و تهنیت میکنم تا یا از آنجا که باشند گان
خوشخت ولایت یزد که الهی دار العباده است از کمال و مینداری و بر تمندی
همیشه در خیز عظمت و شمت و طمن و آبادی و زرافت آن از رضی سامی و
جاها از آنجا است که با آنکه یزد و در باب موقع و محل تجارت چندان
منازعت علاوه بر آن قلت آب و آب با موانع دیگر مانع تر قیست
سبب اخذت چهارت زار عیس مسعود این زمین بهتر از جاهای لیس
و پسین و دامن گل چین و شسته و در باب صنایع پارچه های فیض و کالی
خودشان را در تمام ایران بجا و بعید و غار میفرستند و از بهمت که
غیرت انالی همیشه این ولایت از بلاد مسلم ایران محسوب بوده و بهست
کفایت امید است که محکم عادل و لذل بران مالیه و لایحه تفریه است
بذل توجهات بنمایند مطلق است که در اطراف یزد کالی میسین آمده و

حسب اینها میگذرد خاصه از جانب قیامه وقت اگر سندی ملاحظه
 شود و پیشانی آبادی پیشه چون بنامی ساختن باه شود و بستان نامی
 شده و مکتوب است که برودی نام خواهد شد برگاه توفیق ریزه و صفا
 شد یک شده و از دولت علیا بارتا اقیانوس ساختن راه شورش
 اصحابان آید و بجز آن اولاً اجناس از دولت میان این دو شهر کثرت
 قلیل دارد و برود بسیار از این و منتهی آن میشود تا نیامال الجواهر
 که از قلیل بسیار میرسد این راه شود بسیار بر آبادی و تجارت
 خواهد افتاد و حالک بنده شش القوم همیشه با هم میگویند که کثرت و
 کثرت و کثافت تریاک کشان ایران خاصه برزیده که کارگران
 حکومت جلیلو ریزه و جلوسگری این طایفه که عاجز کن افلاطون و
 جوانان شیرگردار زمین گیر ساخته برده و بطوریکه زبان جانی مادی
 نرسد این طایفه بد بخت مصیبت نصیب از او فرود که مایه کثرت
 و بلاکت است نجات دهند اغراض کارگران مکتولهای دین بسین و
 اولیای دولت بدترین این طایفه تعب تاسف است میان
آثار اتحاد و فرقه جلیله شیعه و سنی در
قابل توجه و تقلید فرقه شیعه
 شکر خدا که روز بروز آثار قوت اتحاد شیعه و سنی از هر گوشه
 بروز میکند و اگر درین اوان سهابی در خوشبختی اسلامیان منتهی
 بمانند اتحاد است که خداوند مسلمانان را برزاده برین موفق داد
 الفت و جوشش اسلامیان درین اوان در بر می رسد که در بیسج نامه
 سالی منتهی اول اسلام نبوده است باینکه همسوز آن در بر گوشش
 و سنی که باید از جانب مسلمین بر دعائی این دو فرقه شود نشد ولی تقدیر
 ماده اتحاد در قلوب عامه اسلامیان حبش و که بدون بیسج سلسله
 جنبانی عموم ملت چون شیر و شکر در هم آمیخته اللهم زد فرود
 سابق برین در زمین حوام شیعه چنان مایه گرفته بود که برادران سنت و
 جماعتش بکنان نبوت ال اجد حضرت ختمی مرتبت یعنی از ایشان
 سلام الیه هم محبت مسودت نذرند بلکه بعضی از حوام شیعه عدوت را
 تصور میکردند و بعضی دشمنان اسلام چنان در قلب آنها جای آوردند
 که طایفه سنت جماعت همه آل پیمبر را در حال آنکه با کمال وثوق میگذا
 که تسبیح و انعام بر او در سنت جماعت با آن صحت استراطیافته
 شیعه نمی باشد چنانچه در هندوستان هزاران قسم طایفه سنت جماعت

متمم داری حضرت ابابعد اله الحسین را بنامش و بدون افاق حال
 در راه و زاد داری صرف میکنند اگر حوام شیعه که از اقا و ادات برادران
 سنت و جماعت خود واقف ترند و ابابعد نام آنرا با آن صحت
 برنگر تصور نخواهند کرد و آنهاست که جماعت شیعه را بر کوه
 سنت جماعت را در باره آل اهل بیت شیعیان برود و کثرت کرده اند
 سبب بزرگ اختلاف همین گفته است ازینست که خیرخواهان اسلام
 سالی و با بداند در انقطاع و کفر سنی اسلام حیده که جمع و بحث آنها در
 اتحاد علاوه بر فواید کینه دیگر بر این اشتباهات که بافت لغات
 و اختلاف میان فرقه اسلام است خواهد
 و من کجاست میگویم ثبوت هم میرسانم که اقا و ادات شیعه چنان است
 که حوام سنت و جماعت تصور کرده اند و اقا و ادات سنت و جماعت نیست
 که درین نشین شیعه شده بعضی از خود فرغانه مایل که بجمع ما حزب و
 بیعت و بیبارة اشهدی دشمن اسلام اند برنی جلیلیات جمع کرده هزاران
 آنها برادران اسلامی خود زده اند که چهار نفر فرخ بر این آنها و او
 و شاه الله شاه گویند و این کتب خیالات حوام شیعه برین
 و در کون ساخته که پرده زردی کار با بر دارند معلوم شود که در کعبه
 کار کرده و این پرده برداشته نمی شود مگر با اتفاق مجلس کنگرس ملی اسلامی
 تصور ما ازین عنوان قبه منتهی و شیعه و تقلید آنها در معاملات زعمی
 از فقه سنت جماعت است عنوان ذیل تصدیق مقالات سابقه و
 ما را خواهد نمود

(مکتوب)
(حکمت ملوکانه)

در فرقه جبل المتین که اتحاد اسلامیان را برین است زحمت افزایم که در
 شهر و ناگفته در معتبریت در شهر فی ضلع بکال حسینیه سید
 عالیشان بود معلوم ما با راه دالان الحق از جو حسینیه مایه بسیار
 منع نماز همه عموم اگر چه بهم شرح اربع این حسینیه و اوقات که بگذارن
 بطور رسیده عرض کنیم از طلب دوری او فیم در زلزله فروردین ۱۳۱۶ این
 عمارت عالی و حسینیه معتبره که درین مملکت کفری کی رشتار بزرگ اسلام بود
 بالکل مخدوم و فریب کرده و بدینسانکه برادران توفیق بنام شیعه از
 منتهی این حسینیه و آشنایان ما مدعی است از فقه حکیمان فرود و کوه
 باین سوال آمده بود این عمارت عالی که فقه معتبره است و این آثار

یک مرتبه از میان میرفت

ولی هسنه از قرین بر بخت عو کا با جناب با القاب اهل نواب بهادر
حسن الله خان که سی - آی - ای نواب بهادر و با کلاک زاده
اسلام پرستی و حکومت و غیر محبت و اخلاص بخانه داده بنوت و برود بنده
بلا فاعه شیشه و قوت آستان و رفع شبه از قلوب عوام شیشه و برود بنده
این حسینیه بر آید و دست بجهاد برود از کینه قوت صرف غم خود
چون کجانی و رحمت کرده که در تیر این فرغانه صرف ناید این محبت
بنده حسنه از سلطان ذوالقادر در خود دیگری بنوده بلکه از غیر سلطان
ایش که زبنت درین نامه کشته دیده شده است الخی مسلمان را سست که بود و بی
و محنت بنده نواب بهادر موصوف فرمایند و سر او را است که طایفه
اقتادات با طلا خود از قدم اسلام فرستادند و محبت با اهل بهادر
دور نمایند نواب صاحب موصوف و کاری بجهت خود درین خیر کرده
که تا قیام قیامت باقیست و موصوفی در خانه اسلان حال نموده که تا
به الله هر زائل نخواهد شد از خنده خدایانیم که وجود محترم نواب بهادر
سکه حسن الله خان که سی - آی - ای همیشه بجزت بر سر او در وقت
تقلید پیروی با علم بزرگان عامه اسلامیان در محبت فرمایند

(جبل المیتین)

نشندان بصیرت پیشه نیست که تا نوازه اصل نواب بهادر و با کلاک صاحب
جسالت جناب اهل حسن الله خان بهادر که سی - آی - ای و بیستم
خیزات و برات عمومی همه فراموشی بخند و با یا نصاری یا اسلام که تا
عام بود است که در دست او در نزد محکم تعلیم عمومی که را اسالیح بنگهت بر می
نموده از کینه قوت خود با کلاک جاری شده موده عامه مطلق را از جنبه
دباره طامون بجهت رفع توهمات انتظامات کلید بکشد هزار و پست
هسته قدیم نمود در تمام هندوستان کثرت بنای خیر عمومی می شود که افانده بر می
این نوازه در آن بنای و این است که نوازه نیم روز بر روز بر عزت شوکت
جسالت قبول آن می افند از الخی این روزان فرست تمام مسلمانان بحال
بل مسلمانان هندستان از نوازه نواب غلده آستان نواب عبدالحمید خان
ماده نواب بهادر عالی مرتبه واری و با کلاک نواب از مصارف فائده ایشان بود
چند سال درین ایام مبالغه علیه صرف کرده اند در خیزات و برات عمومی
یعنی خیزات با کلاک نفع آن بهادر به ارجیل آوردن آب در شهر و با کلاک
طامون و غیره و خیزات بر هندو مسلمان مدی قنایین نوازه اقدام نوازه

دو دست بجهاد هزار و پست و یکصد و پنجاه خیزات کردن و محسنان است
و کردن شکل البته این کشته بر عوام شیشه و قوت از کینه خود که بر آستان
و مسامت و در محبت و توسل آل اهل با آستان شریکه و خیالات با نوازه
قبل این شیشه اگر با مسلمانان محبت بودیم در امور و محسنان
مراعات و شیشه از روز و روز و شمشیر خیزات و نوازه و بر کینه شیشه
مکتب موعظه و بر فیض بلخی که از این خیزات و برات محال کرده که
شکست مراعات شیشه و سی که دیده اند در امورات غیره و محسنان
و اندر دوسای خیزه خواه اسلام قبل هر که قنایان و القاب از حساب اول
اسلامیه که بری و مشوق نفع ملت هستند با شیشه الخی نوازه است که دست
علیه ایران در دست این خدمت و محبت بزرگ که نفعش با صحت است و نوازه
سر حسن الله خان که سی - آی - ای که رئیس و مغزو و محسنان درین
و معاون خیزات و برات عمومی اسلام اند قناری در خود نشان عنایت فرمایند
تا قدر دانی دولت علیه بر عاقلت اسلامیه ظاهر شده نوازه باب تشبیه بزرگان
اسلام در خیزاتهای عمومی شود و سعی حق شناسی هم همین است چنانچه دولت
انگلیس و وزیر و بر عزت و شوکت و قنایات این سلسله می نوازه که نوازه
درین نکات و طیفه جناب است ولی سلسله جنابانی در کینه نوازه و حقیقت از جناب
این برات و بر مال دولت علیه هر کردن و طیفه نوازه و نوازه عمومی است
ایته و ایم که جنرال و نوازه می پس از و در صوب اموریت خود ایمن نوازه
از نظر نوازه از کلاک نوازه ای نشان اقتیارات و نوازه درین نوازه است و در دانی
دولت و نوازه که نوازه در بر عالمیان ظاهر میگردد و نوازه جبل المیتین از جناب
خود احاطه و از طرف مازلت شیشه و کلات ازین علیه کران به کلاک شیشه
بشیمان بیش تراست

خدمت سر نواب حسن الله خان بهادر که سی - آی - ای در حسن علیه کران
بها و نوازه که نوازه اتمان نوازه و از نوازه نوازه نوازه که این سلسله علیه
خود نواب صاحب موصوف را نوازه برین عزت کلاک نوازه
اقت و بیانات معنون و نوازه نوازه نوازه نوازه نوازه نوازه نوازه
اسلام پرست و کلاک نوازه با حمت فر اسلام نوازه نوازه نوازه نوازه

(طرف داری ملی)

اگر چه طرف داری ملی جلیست و بدون استیفاء تمام اقوام و ملی طرف دار
ست خود شناسند ولی بجهت دولتی که بر تمام ملل حکومت دارد و در احسان ملی

و بی طرفی خود را اینک طرف داری یعنی دون ملت از غایت شکستگی خاطر
سازر نمای او میگردود البته این در اختلاف اخصاف میتوان گفت که
جولای قاری کشیشان است که بدو میسج خدمت از غزیه همنه مشایخ و
سینما ولی تا بحال شنیده نشده است که بدون خدمت یکی از برهمنان یا
علمای اسلام را حکومت از غزیه همنه موجب مشایخه غایت فراید
البته خیال منحصن اینطرفه قاری بر دون از اخصاف است البته قوم مکتوبند
درین نکته لار نیست با علماء مسلمانان برهمنان همسود را هم بدون خدمت
مشایخه و موجب همنه یا تمام کشیشان را از غزیه همنه قطع کنند نمی

اخصاف بی غرضی بی طمی نیست
(فرانسه و روس)

از قه این خیال مستعد میشود که آد دوستی دولتین فرانسه و روس را قریب
فانته شود تمام کوشش فرانسه در دوستی روس براسطه رقابت آلمان بود
اجازات فرانسه میکند که دولت روس فرانس در بندت قریب داد
گویان فرانسه بوده است و دوستی بین آلمان روس یعنی از اهل اروپا
فرانسه میکند که امید داری تا در روس از کوه اندیشی است در اصل
روسی با آلمان اتحاد پریشیه دار کرد و این اتحاد پریشیه روس فرقات آلمانیا
در ششده اخط نماید و هر یک یک از افراد فرانسه که خراب وطن میداند
باید در تصرف موقوفات آلمانیا فرانسه کنند دولت فرانسه است
و جبا شد تا و آلمانیا و روس با ز نمودن در و از ه اضمومات مین است
یکس این خیال در دماغ او جای کرده که در اتحاد روسین فرانسه قائم خواهد بود
بلکه باید علاج مخرج خود کند اخبارات فرانسه میکند در تمام روس آلمان همین
که اسپر افرین روسن آلمانیت تمام از زبان رسول روسین پیشه آلمانیت
فرانسه قشون روسین یاده آلمان است در تمام کارها سجات بخاری روس
افران آلمانیا نمودند در رقابت محکجات روس از خارج فرسی لازم شود
آلمانی تحب میکند در آزاد می خیال هم ابراهیم برین آلمان روس گویا آلمان
و لیم قهر آلمان خیالات موقوفات مکتوب بر روس و در کوه لاس ششده روس
فصیح عرفات شرفی در نظر با این همه قدر لحن آیداری دوستی
روسی قهر آلمان امید بلکه است است

(فرانسه و انگلیس)

از وقتیکه دولت روس را می خود را در راه اقلت قشون و اسلحه و حتی
مصادقات مستقیمه است عمومی پیش کرده فرانسا و بهار با او فرم خود

گویا ذای ترک دوستی با روس امید همنه ملت اصلی دوستی همنه با روس
تصانای تیکوفه اند در راه دوستی روس بره بواسطه دوستی همنه که از یک
مملکت فرانسه آلمان در ششده اخصاف کرده و تا کون قانین است دولت
فرانسه امید دارد بود که به استیاری روس و صوبه مذکور آلمان یکدیگر است
روسی استیاری خود را بر حکم هم کامل نماید اینک که دولت روس همکار
امنیت عمومی شده تیرهای در افسانه از رنگ خورده در این روزها بسیار
در مده واقف نمودن تها و با دولت انگلیس شباهت این الرای اخبارات فرانسه
در خصوص طریق پولتیکای می بیند و در برده خوشگاری خود را در اتحاد
با انگلیس ظاهر میدارد چه چنانچه داریم که مینا که یکی از ارباب دانش و
و اصحاب سیاسی فرانسه است در نظریات خود بطریق پولتیک دولت آلمان
باین عبارات دعوت بخاوده است نماید که دو لیتین روس و آلمان در بر عظم
اشیا بر رقابت دولت انگلیس قنای کرده در آلمان و روس این اخبارات
فوجی است تا ما بر رقابت انگلیس سخن نمیزد بعد از آن ملت خود را طلب
کرده میگوید فرانسه اسناد بهار لارم است که گفت انگلیس را از دوستی فارود
چشم دوستی معاینه نماید بلکه دوستی انگلیس را چه از راه سیاست چه از
راه تجارت دولت فرانسه باید معینت اند مثلا با این همه دوستی با روس
صرف سالی نسی لیون فرانسه انگ امتعه فرانسه در ملک ریشه بهرین بیخ
بیسه و ن می آید ولی متعه فرانسه در انگلستان سالان یک هزار بیصده
لیون فرانسه انگ فروش بیسه این نکته ظاهر میدارد که دوستی فرانسه
با انگلیس از جمله لازمات است باین مقالات قهر لکت فرانسه است ایسباب
استاد با انگلیس میباید موقوفات تصانای دوستی روس را بکار میسند
تا کون درین موقوفات اخبارات انگلیس ساکت اند

(بسته در لجنه)

چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند بوجیکه وقایع محار
جسالتین از بر ششده اخصاف میباید پیام نامی آقای در با یکی از
مهران فخره صا لکله انی بسته که با اینها جنگی در پاس میسند و در همه آمده
تاریکات کافی برینده و برینجه بند لجنه با استدو کامل حسد کت نماید
و از طرفه دیگر برینجه کت است با توب سواره نظام کجین لجنه حرکت
نموده اند چه در جنگی با قس از زور و مساکر برزی در لجنه مانده نظر حکام
دولتی بسته مضمین مملات را با من بعد خواهیم نوشت

مردن خزان به پیش آمده اند که لزل بگردد و احوال با نماند که الزام دیگر هم بر او
آب است

لزل بگردد متعجب است و خود احوال سرداران فوجی نمیکند
لزل موصوف اظهار داشته است که اگر احوال سرداران فوجی نماند و از
خواهید یافت علی درون کف دست کسی نخواهد بود بلکه قتل است معنی این کلام است
که لزل همین سینه خود کسی نکرده حکام فوجی او را قتل رساند
وزارت متصرفی فرانسه آخرین اجتنبی را منقذ نموده است من باستان
مقدمه در اینص

جزل زلزلدن نیز در عدالت پاریس بر کزل بگردد مقدمه و اثر نموده است
و حال آنکه حکام را رای خود مقدمه برش را لیه و اثر کرده
بر قس جمهور می فرستد نیز بیکدیگر چه خواهی خالات فوجی فرانسه است
کلیه معنی اخبارات نهایت سخت است

بگردد از فتح سودان روش معنی اخبارات فرانسه حقوق انجمن را
در قلم بر هر بطریق قطع تسلیم نمایند
آبادی حد قبل از اینکه تصرف انجمن باشد لیون و هشتصد هزار بود
در عمده شانزده سال و لیون و پنج هزار بر آبادی صرف کرده شده
چنانچه ایک آبادی هرگز به لیون هشتصد و پنجاه هزار است

با اینکه معارف باپ روم زیاد است و بطریق حشمت شان حرکت میکنند
منه لکت فتنه زنده نگه می دارند حساب کرده اند سی لیون روپیه است
سال گذشته از انگلستان سیوی آنکه من باب زراعت بجزار برده شده اند
قیمت آنها هفتصد لیون و هفتصد و پنجاه هزار روپیه تخمین شده

سیکون در جنگ که ارف پنجاه سودانی جامع بود که کتون مصری است
منتشر نموده است و معلون است که ارف را نیز منصرف شده است
در استرلیا بیماری خاصی در موشی پدید آمده بسیاری ضایع گردیده اند
مثل آب کوبی و طاعون کلابی بجهت موشی پدید آمده اند
در مقدمه در اینص غلظت و مچول ضعیلی بدست آمده از راه است که بسیار
اگر لور آلمان و در اینص نیز در اول بوده است

سفر پاریس معتمد پاریس وزیر امور خارجه است که از اصف صاف گفته که اگر
اتحاد و مچول ضایع شود و دوستی آلمان فرانسه را بسیار خواهد رفت
من باب اعلان پر لور روس من باب ترک اهل و نامین عامه اهل انگلستان
یکوینه شک نیست اگر لور روس خوش بینی خود اظهار داشته ولی در
جلال الدین محمد

مسل خواب است که اگر لور روس به رای انجمن لور روسی مسلم شود
عکس است عمل کرده که تمام اختلافات مشرقی منقذ شود و از لکل نیست
این عمل هر یک

فتنه میگوید تا وقتیکه مبعوضات فرانس از آلمان منقذ نشود و اگر
بفرض هم باز بگردد رای پر لور آلمان بجزاری نیست
حکومت جوازات جنگی و دولت انجمن بدست میسر است اهل بهشت است
آثار و قات بسیار بزرگ نمایان است

در دار الشوری ملی منتهی من باب بیستف مقدمه و در اینص بحث شده است
تعلق بوده است بجهت اخبار استیاف مقدمه در اینص بوده اند یعنی بجزاری
در بریل حسبه بسیار منتهی واقع شده و لیون و سیصد هزار روپیه نصان
رسانیده است

افزاده است که در اینص در قندهار مرده است اگر این توانست حتمین بجزاری باشد
از روی پولنگی عمل او را نام کرده اند

آزادانال قیام هندی بهاد شمر طفا ممنوع شده در سراج شهر اگر چه
اجازه سکونت دارند

در کزل بگردد را هم شنبه افشای راز دولتی گرفتار کرده و مقدمه او در مقدمه است
پیش بود فوری منتهی نمودند بلکه شکران و نقل بیحالات داده اند
(اخبارات تلگرافی و غیره)

این هفتصد و پنجاه معانی باران استند لاکرده و با بحث قضایانها
زیاد کرده است اسوای بنگال نسبت باقی بود فوری خشک شده است
مرض طاعون در بنگال که اشاعت شده رو باز دیاف است در مسی
هم از هفتصد که شنبه پیش بوده اند از ترحم فتنه به دست طاعون
خیلی تخفیف شده از لکل افات شد ظاهر میشود که پاستر و فزوری
بر جای پار پوست عمل کرده یکی را هم قبض رسانیده یکصد و نود و پنجاه
برده اند

گلکته

چهار پنج روز است که کرمی گلکته باز خود کرده در گلکته این هفتصد ایله
بارنگی فتنه آثار باران است مرض طاعون بجهت الله سخت خود را از
گلکته کشیده این هفتصد نیز با وجود کوشش آموزین خطه العود ضایعی
طاعون بدست نیامد چون ایام قبیل موسم است نسبت باقی
اعتدال گلکته خوب نیست ولی از سنوات قبل بدست
جلال الدین محمد